

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

چشم انداز وضعیت اسفبار اجتماعی - سیاسی در کشور

آیا مقامات کابل در صدد دستیابی به ثبات می‌باشند؟
تداوم فعالیت‌های "داعش" در عرصه سربازگیری

نگاه خوش بینانه و بدبینانه به پس منظر حوادث
حضور بسیاری از گروه‌ها بگونه اجباری
گنگ و مبهم بودن قضایای موجود
تشدید هراس در جامعه

اینک در سرآغاز سخن، اصل مسأله مورد بحث را از اینجا بررسی نموده و مورد کاوش قرار می‌دهیم که در کنار سایر موارد، حکومت وحدت ملی در امر مدیریت مسایل سیاسی و اقتصادی تا هنوز که هنوز است، درخشش چندانی نداشته است. همه دست اندرکاران امور توافق نظر دارند که افغانستان در مجموعه اقتصاد راکد و رکودی دست و پا می‌زند. آنها بر این باورند که این وخیم‌ترین وضعیت اقتصادی در کشور پس از سقوط رژیم "طالب"ها به حساب می‌آید.

مطابق آمار و ارقام ارائه شده، افغانستان طی دو سال پسین در سایر سکتورهای اقتصادی شاهد افت بوده است. تداوم این وضعیت برای ملت افغانستان طاقت فرسا خواهد بود. علت‌ها و عوامل سبب ساز وضعیت کنونی را می‌توان ذیل برشمرد:

- جدی نگرفتن مسایل اقتصادی؛
- نبود رشد اقتصادی پایدار؛
- موجودیت فقر گسترده در جامعه؛
- فقدان اشتغال و سیر نزولی کارایی؛
- تقلیل سرمایه‌گذاری‌های خارجی و بی‌بلانس تأدیات؛
- تورم؛
- وضعیت ناگوار سرمایه‌گذاری‌های داخلی؛
- فرار سرمایه از افغانستان؛
- تپه‌پر پول و تمویل تروریسم؛
- مهاجرت و فرار مغزها؛
- ارزش اسعار افغانی؛
- چگونگی وضعیت سکتور خصوصی؛
- مشخصات کلی سکتور عامه؛
- سکتور مالی؛
- تحصیلات؛

- فساد اداری.

با در نظر داشت مطالب و مسایل گفته آمده در بالا، بگونه مشخص در مورد اوضاع و احوال کشور، این مسأله قا بل یاددهانی پنداشته می شود که در شرایط کنونی در کشور، "داعش" بیش از هر موقع دیگر فعال گردیده، "طالب" ها و سایر گروه های هراس افکن به سازماندهی و انجام حملات تروریستی و اجرای فعالیت های خرابکارانه شان همچنان ادامه داده، ترس و هراس فزاینده ای بر سراسر کشور سایه افکنده، عده ای بگونه بدبینانه و گروهی هم با خوشبینی و به امید تغییر ناگهانی اوضاع، به سیر کنونی حوادث کشور نگاه می کنند و ...، اما چگونه می توان بر این همه نار سایی ها فایق آمد؟

وضعیت در کشور عزیز ما متأسفانه که تعریف چندانی ندارد، گاه و بیگاه امنیت و آرامش ساکنان محلات مختلف کشور بر هم زده شده فعالیت های تشدد آمیز و اعمال خشونت آمیزی توسط مخالفان مسلح کشور صورت می گیرد که در نتیجه آنها، تعداد بیشماری از اهالی ملکی کشور کشته و زخمی شده و عده ای هم ناگزیر به ترک محل بود و باش شان می گردند، سلسله این ناآرامی ها همچنان ادامه داشته و روزتا روز بیشتر نیز می گردد، انجام چنین فعالیت ها و اقدامات تروریستی، فضای ترس و هراس فزاینده ای را بر سراسر جامعه و کشور ما حاکم نموده که با گسترش چنین وضعیتی، بیش از هر زمان دیگر کاسه صبر و حوصله باشندگان کشور، لبریز گردیده است.

طبق آمار و ارقام ارائه شده توسط سازمان های بین المللی ناظر بر اوضاع کشور، از جمله طبق اطلاعات و اخبار ارائه شده توسط "گزارشگران بدون مرز" در کابل در نتیجه فعالیت ها و انجام اقدامات تروریستی مخالفان مسلح، تعداد بیشماری از اهالی ملکی و خبرنگاران و ... کشته و یا زخمی گردیدند. به گزارش وسایل اطلاعات جمعی، پس از سقوط "طالب" ها، در کشتار اهالی ملکی کشور و خاک و خون کشیدن آنها، افزایش قابل ملاحظه ای بعمل آمده است. اکثریت قریب بتمام روزنامه نگاران و نمایندگان وسایل اطلاعات جمعی که در جریان حوادث خونبار طی این مدت در کشور به هلاکت رسیده اند، کمتر از سی سال داشتند. آنها با مردانگی و شجاعت بی نظیر به سیر حوادث شتافته و با وجود خطرات موجود، به تهیه گزارش و انعکاس واقعیت های دردناک جنگ ادامه دادند.

اگر بمنظور وضاحت بیشتر به طرح کنه مسایل پرداخته شده و اندکی به عقب نگاه کنیم، باید خاطر نشان نمود که هم قطعات محدود شوروی و هم قطعات جنگی و نظامی ناتو، بر بنیاد علت ها و دلایل مختلفی وارد اراضی کشور ما گردیدند، اما پس از خروج قوت های نظامی شوروی از کشور ما، معضلات و مشکلات عدیده ای دامنگیر ما گردیده و با ترک اراضی افغانستان و برچیدن دامنه فعالیت های نظامی قوت های یاد شده، صلح و سلم به کشور برنگشت. اگر ورود قطعات محدود نظامی شوروی طی ماه جدی سال ۱۳۵۸ و تداوم جنگ، سبب وارد گردیدن خسارات جانی و مالی در کشور گردید و اما در مقابل، با ورود و تهاجم نیروهای ناتو بر هیری ایالات متحده به میهن ما، سلسله در بدری، خرابکاری، ویرانی و قتل و کشتار اهالی ملکی کشور ما آغاز و تا همین اکنون همچنان ادامه دارد. اما آیا رویکرد جدید در مورد آسیای مرکزی، در امر تأمین ثبات و استقرار صلح در افغانستان، سبب تسریع امور در زمینه خواهد گردید؟

رویکرد جدید، با درک این مسأله که تأمین امنیت و صلح پایدار در سرزمین و اراضی افغانستان، ادغام مجدد کشور در مجموعه جامعه بین المللی، سبب ساز تأمین مناسبات منحصر بفردی در عرصه های ارتباطات، تجارت، حمل و نقل، استفاده و بهره گیری از منابع آبی و انرژی و سبب سرمایه گذاری در بخش های یاد شده خواهد گردید. کشورهای آسیای مرکزی، در امر دسترسی کشور ما به بازارهای جهانی، ارتقای سطح درک و دانش کادرهای ملی، تقویت سنت های فرهنگی، بویژه پس از سال ها جنگ و ویرانی در کشور، از نقش قابل توجهی برخوردار می باشند.

در اوضاع و احوال کنونی ایجاب می نماید تا به جنگ و درگیری های طولانی مدت کنونی در کشور، هر چه زود تر پایان داده شده و کشور ما که بمثابة چهارراه زمینی میان آسیای مرکزی و آسیای جنوبی تلقی می گردد، زمینه نقل و انتقالات اموال مورد ضرورت را برای اهالی کشورهای یاد شده فراهم نموده و کشورها و مردمان نقاط مختلف جهان را از این طریق با هم پیوند داده و زمینه های همکاری های وسیعی را با کشورهای بیرونی مساعد نماید. انتقال مواد و وسایل مورد ضرورت به کشور ما، بویژه بمنظور انکشاف و توسعه کشور و رفع ضرورت های مادی هموطنان ما، بویژه وسایل مربوط به عرصه زیر ساخت ها در کشور از اهمیت فوق العاده مهمی برخوردار می باشد.

با حملات "نامتقارن" جنگجویان بروسایل انتقالی در پاکستان، ضرورت انتخاب و جاگزینی راهای بدیل بمنظور حمل و انتقال مصنوئن کالاها و وسایل مورد نیاز در دستور روز قرار گرفت. دستیابی به مواد مورد ضرورت در کشور، آنهم از طریق کریدورهای تجارتي اورو- آسیا، از اهمیت بسزایی برخوردار گردید. همچنین، "شبهه توزیع شمال" نیز در این عرصه می توانست سهم و نقش بسزایی ایفا نماید. با چنین اقدامات که به هدف تقویه، پشتیبانی و حمایت از ثبات سیاسی و اقتصادی کشور ما صورت می گیرد، بگونه مجموعه ای از اقدامات کشورهای مورد نظر در ایجاد افغانستان صلح آمیز و فارغ از جنگ و زد و خورد محسوب می گردد.

چنانچه یادآوری بعمل آمد که جابجایی مسیرهای اصلی انتقالی و ترانسپورتي در عرصه کریدور انتقالی شمال بر اساس اجماع سیاسی نوینی که بر رویکرد جدید بنحوی از انحاء فشار وارد می نمود، صورت عملی بخود اختیار نمود.

در عرصه تقویت قوای مسلح کشور، ایالات متحده چنین پنداشت که قوتهای امنیتی، اردو و پولیس کشور ما چندان دوام نخواهد آورد و بزودی از هم خواهد پاشید، چه بگفته کارشناسان نظامی ایالات متحده، نیروهای متذکره نه تنها از زیاده حاصل ننموده، بلکه روزتا روز از لحاظ کمی تقلیل می یابند. مطابق اظهارات جان سپکو، سربازرس امریکا بی درامربازسازی کشور ما، تقویت صفوف قوای مسلح افغانستان باید در اولویت کاری ستراتیژی امنیتی افغانستان قرار داده شود.

قابل تذکر می باشد که وضعیت امنیتی کشور، بویژه در ایام پسین، بدتر شده است و اینکه نظامیان کشور از این واقعیت آگاه می باشند که قوت های بین المللی بر هبری ایالات متحده با شعار و هدف از میان برداشتن تروریسم و قلع و قمع نمودن عوامل آن و برچیدن پایگاههای "القاعده" و سرنگونی حاکمیت "طالب"ها به کشور ما هجوم آوردند تا صلح و ثبات و امنیت به افغانستان بازگردد. اما چنین نشد و تشنج و ناامنی و بی ثباتی در سراسر کشور گسترش داده شد.

بگفته بسیاری از کارشناسان امور، مسایل مربوط به کشور عزیز ما، اکنون در برنامه های کاری مجامع بین المللی از جایگاه دومی برخوردار می باشد، اما نظامیان به دقت، سیر حوادث کنونی کشور ما را تعقیب می نمایند. به یقین که در بررسی های آنها، بگونه کلی سلسله تغییراتی بوجود می آید. نباید فراموش نمود که در بررسی های مربوط به کشور ما، جهات مثبت مسایل را بیشتر مطرح نموده و معرفی می نمایند و اما جهات و بخش های منفی و تاریک مسایل، همچنان ناشناخته باقی مانده و در مورد دورنمای رشد و انکشاف کشور ما، اصلن لب از لب نمی گشایند.

ستراتیژی دولت افغانستان، بگونه جدی باید مورد بررسی موشگافانه و بازنگری واقعبینانه قرار داده شود. چه، با بدتر شدن وضعیت امنیتی در کشور و افزایش اقدامات تروریستی، کشتار و تلفات قابل ذکری را بویژه در میان اهالی ملکی کشور ببار آورده است. در انجام اقدامات متذکره، نه تنها "طالب"ها بلکه جنگجویان "دولت اسلامی" نیز سهم می ورزند.

علاوه بر آن، چنین بنظر می رسد که قوت های بین المللی و نیروهای دفاعی کشور، از توانایی جلوگیری از انجام عملکردهای تروریستی یا برخوردار نبوده و یا اصلن در صدد انجام اقدامات فیصله کن و قطعی در کشور ما نمیباشند. اما سوالی مطرح می گردد که آیا حاکمیت سیاسی در افغانستان و قوت های خارجی موجود در کشور ما برنامه ای بمنظور خروج از این بست کنونی در دسترس دارند، یا در صدد تدوین آن می باشند و یا نه؟

این مسأله، کنون بیش از هر موقع دیگری وضاحت دارد که حاکمیت سیاسی کشور و بازیگران خارجی قضایای کشور ما، یعنی ایالات متحده و هم پیمانان غربی ناتوی آن کشور، از مدت ها قبل در صدد گفتگو و انجام مذاکره با مخالفان مسلح شده بودند.

چندی قبل، وسایل اطلاعات جمعی، خبری را تحت عنوان ذیل به نشر رسانیدند که: ایالات متحده در "فضای دو ستانه"، مذاکراتی را با "طالب"ها آغاز نمود. مذاکرات، دیدار و گفتگوهای یادشده هفته قبل، میان دیپلمات های بلند پایه امریکایی و نماینده های "طالب"ها در قطر صورت گرفت.

اما مدت زمان مدیدی، مخالفان مسلح کشور از آغاز و انجام مذاکرات صلح آمیز بمنظور حل و فصل قضایای کشور امتناع ورزیده و سرباز زدند، چه، مشوره های متحدین خارجی و ارائه کمک های مادی و تسلیحاتی آنها به گروهها

ی یادشده، به عمده ترین مانعی در امر آغاز چنین مذاکراتی مبدل شده و بیش از پیش گره کور مشکلات موجود کشور را محکمتر نموده و سبب تشجیع مخالفان مسلح در تداوم جنگ و برادر کشی گردید.

این مسأله قابل تأمل پنداشته می شود که تنها "طالب"ها، یگانه مخالفان مسلح در کشور محسوب نگردیده، بلکه اکنون گروه های دیگری از جمله جنگجویان "دولت اسلامی" و چندین گروه دیگر نیز سلاح بدست با حاکمیت سیاسی موجود در کشور به مبارزه و جنگ مشغول می باشند.

در مورد "طالب"ها، "دولت اسلامی" و همچنان در مورد انتخابات باید علاوه نمود که نبود امنیت، فاکتور مهم دیگری در چگونگی برگزاری انتخابات پارلمانی و انتخابات ریاست جمهوری مطرح بحث می باشد. از آنجاییکه تأمین امنیت رأی دهندگان و حفظ نظم و آرامش چه در ایام فعالیت های انتخاباتی و چه در روز رأی گیری از جمله مسایل قابل دقت بشمار می آید، مسأله فوق بایست در الویت کاری دست اندرکاران حکومت وحدت ملی و متحدان خارجی آنها قرار داده شود.

مخالفان مسلح بخوبی آگاهند که در گام نخست، انتخابات پارلمانی برای حکومت وحدت ملی به پاشنه آشیل مبدل گردیده است، چه با شکست در انتخابات پیشرو، قبل از همه به اعتبار ایالات متحده، ضربه سخت و محکمی وارد خواهد گردید. علاوه بر آن، مخالفان مسلح در صدد آن شدند تا از کارزار و کمپاین انتخابات پارلمانی بمتابزه آله فشار علیه واشنگتن استفاده نموده و امریکایی ها را ناگزیر به مذاکرات مستقیم با "طالب"ها نمودند.

همچنان نباید فراموش نمود که در صفحات شمال افغانستان، در کنار موجودیت "طالب"ها و انجام فعالیت های گروه یادشده، تقویت قدم به قدم مواضع "دولت اسلامی" نیز عمدتاً بمنظور تضعیف مواضع عطا محمد نور، قدرتمند ترین والی در منطقه یادشده، صورت گرفت.

بسیاری ها با این امر موافقت کامل دارند که عمده ترین فاکتوری که به مانعی در برابر استقرار سیاسی کشور مبدل گردیده، ضد و نقیض گویی و موجودیت تضادها و مخالفت ها میان گروه های مختلف و گوناگون قومی در امر تأثیر گذاری بر حیات سیاسی کشور می باشد، متأسفانه تضاد یادشده روز تا روز حدت و شدت بیشتر و بیشتری بخود اختیار می نماید.

بخاطر باید داشت که وضعیت گفته آمده در فوق نگرانی همه مردم و باشندگان کشور عزیز ما را بیار آورده که تداوم چنین حالتی، عواقب غیر قابل پیشبینی را بدنبال خواهد داشت. اما امروز بیش از هر زمان دیگر، فضای سیاسی کشور نیازمند مفاهمه و گفتگو میان همه طرف های درگیر در قضا یای کشور ما می باشد. ابلاغ مسأله متذکره بمتابزه مقدمه ای برای برجسته سازی نقش گفتگو و مذاکرات و گامی به جلو در مسیر توسعه سیاسی کشور محسوب می گردد. بستر سازی بمنظور تقویت ارتباط و گفتگوی سازنده میان طرف های درگیر در قضایای کشور و ایجاد زمینه مفاهمه، همدلی، همکاری و در نهایت، موضعگیری های مشترک درباره اصول کلی نظام، امنیت و منافع ملی عنوان شده است، در اصول باید منشور گفتگوی سیاسی تنظیم و به منصفه اجرا قرار داده شود.

بگونه مکرر، در مورد انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری باید یادآور شد که تدویر چنین انتخابات ممکن با بگومگوهای نیز همراه باشد. نباید فراموش خاطر ما گردد که مشکلات و موانعی در امر برگزاری آن نیز عملن موجود می باشد.

با حملات گروه های دهشت افکن بر مراکز رأی گیری، از همین اکنون فضای رعب و ترس بر کشور دامن گسترده است.

هر چند با وجود اختلال احتمالی در انتخابات، آیا بگونه عادی غرب بدنبال ایجاد یک جامعه مدنی در افغانستان می باشد؟

با جمع بندی مطالب و مسایل گفته و با در نظر داشت وضعیت واقع اسفبار کنونی در کشور همینقدر باید که هر گفت گفت که هر عملی که افراد توسط آن بتوانند در رابطه به نیازمندی ها، خواست ها، ادراکات، نظریات و آگاهی خود با یکدیگر تبادل معلو مات نمایند، بنام مفاهمه و ارتباطات یاد می گردد که می تواند بصورت آگاهانه یا ناآگاهانه، خواسته یا ناخواسته، زیگنال های شفاهی و غیر شفاهی صورت گیرد.

در این مقطع، شایان ذکر می باشد که بگفته بسیاری از کارشناسان، قرار است تا تماس و ارتباط با "طالب" ها در سطوح دوگانه ای انجام پذیرد که درگام نخست شامل دفتر نمایندگی "طالب" ها در قطر و درگام بعدی، تأمین ارتباط غیر مستقیم با فرماندهان محلی و افراد تأثیرگذار برجیش "طالب" ها در داخل کشور می باشد.

در مورد چگونگی ارتباطات اینچینی توسط کشورهای همجوار افغانستان، اصلن سخنی بمیان نمی آید. امروزه و در حال حاضر، امکان حفظ سطح تراکم مسایل با سطح مخاطبین عملن وجود دارد که مبنی بر آن ارتباط و مناسبات "طالب" ها با پاکستان و ایران مطرح بحث قرار می گیرد. همین اکنون عمدتن خانوارهای رهبران و جنگجویان گروه نامبرده در اراضی متعلق به پاکستان بسر می برند. اما مقامات مسؤول پاکستانی از موجودیت آنها در قلمرو آن کشور بدلیل حفظ منافع ملی کشورشان، انکاری و رزندی. کارشناسان تأکید بعمل می آورند که بمنظور حفظ و حراست از امنیت در کشورهای همجوار افغانستان، قرار است تا ستر مرزها در دستور کار قرار گیرد.

مطابق اطلاعات واصله توسط آژانس های خبررسانی، راین کروکر، سفیر سابق ایالات متحده در افغانستان به خبرنگاران اظهار داشت که مذاکرات منعده ایالات متحده با "طالب" ها در قطر، اتوریتیه حاکمیت سیاسی در افغانستان را تضعیف نمود. مذاکرات یادشده، بدون حضور نماینده دولت افغانستان برگزار گردید. از آنجاییکه "طالب" ها ادعا می نمودند که "با دولت غیرقانونی" در کابل به مذاکره و تبادل افکار نمی پردازند، چنین دیدارهایی در نوع خود، یک واقعیت مهم پنداشته می شود. "طالب" ها آنچه را می خواستند، بدست آوردند که خود به پیمانیه وسیعی، مشرو عیت حاکمیت کنونی سیاسی در کشور را مورد سوال قرار داد.

بگفته کارشناسان، در واقع توسط مخاطبین، مسأله بگونه ای مطرح می گردد که در چنین وضعیتی، افغان ها با گروه قانونی در قطر مواجه می باشند و چنین حالتی در قبال امریکایی ها نیز مطرح بحث می باشد. واقعیت قابل تذکر دیگر، عدم شرکت حاکمیت سیاسی افغانستان در این مذاکرات بمثابه شرکت کننده کامل در گفتگوها می باشد و این واقعیتی است که کشور می بیند که امریکایی ها، نه با حاکمیت سیاسی افغانستان، بلکه با "طالب" ها به گفتگو و مذاکره متوسل می گردند.

خبرها و گزارش هایی موجود است که مذاکرات و گفتگوها میان ایالات متحده و "طالب" ها توسط حکومت وحدت ملی نیز تأیید شده است. همچنان قرار است تا طی تابستان پیشرو، در قطر جاییکه نمایندگی "طالب" ها موقعیت دارد، بگونه حداقل، مذاکرات سه گانه اینچینی نیز صورت گیرد.

در مقطع کنونی، این مسأله شایان توجه می باشد که ستراتیژی جدید ترامپ، در واقعیت امر، تداوم کارها و عملکرد های بوش و اوباما، رؤسای جمهور قبلی ایالات متحده مبنی بر فراخواندن نظامیان امریکایی از کشورها و تحویلی و واگذاری مناطق و محلات مورد نظریه مخالفان مسلح کشور، محسوب می گردد که اکنون عملن، بسیاری از مناطق و محلات در اراضی کشور ما تحت تسلط و اداره گروه های مسلح مخالف قرار دارد. امریکایی ها به مقامات افغان خاطر نشان نموده اند که کنترول و نظارت شان را بر مراکز شهرهای بزرگی چون کابل، کندهار، کندز، مزار شریف و جلال آباد حفظ نمایند.

ستراتیژی جدید دونالد ترامپ، عمدتن از رؤسای جمهور قبلی ایالات متحده به عاریت گرفته شده است. باوجود اینهمه موارد و مسایل گفته آمده، دیده شود که سیر حوادث به کجا خواهد انجامید.

یازدهم ماه اگست سال ۲۰۱۸